

هسته اصلی
برنامه عدالت
اقتصادی اجتماعی
لازم و ضروری برای
ایران امروز (که خود
را در شعار «عدالت
و جمهوریت» دولت
سیزدهم نیز متبلور
کرده است) بازتوزیع
عادلانه ثروت است.
در اوضاع امروز ایران
بازتوزیع عادلانه
ثروت پیش شرط
تحقق هر نوع
جهش اقتصادی
و تولیدی است و
بدون تحقق آن،
پیشرفت اقتصادی
مد نظر نیز رخ
نخواهد نمود.

شئونی فراتر از صرف مفهوم عدالت اقتصادی اجتماعی دارد، اما در باورها و نظام ارزشی تشیع و سیره و سلوک امامان شیعی، عدالت اقتصادی اجتماعی به عنوان شئون و وجوهی مهم از مفهوم محوری عدالت، مدنظر و در کانون توجه بوده است.

فرماسیون شبه مدزنیته، ایرانیان را اسیر بی عدالتی اقتصادی اجتماعی و نیز گونه‌ها و صور دیگر بی عدالتی کرده بود و خواست و مطالبه عدالت در فرایند انقلاب اسلامی به وضوح وجود داشت و دنبال می شد.

در پی پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های نخست استقرار نظام اسلامی، اقداماتی در جهت تحقق عدالت اقتصادی اجتماعی و تغییر آرایش طبقاتی جامعه و توزیع برخی منابع و ثروت‌ها به نفع محرومان و مستضعفان صورت گرفت؛ اما متأسفانه این اقدامات تعمیق پیدا نکرد و نهادینه نشد و تداوم و بسط نیافت. کابینه در دهه ۱۳۶۰ مناسبات اقتصادی اجتماعی سرمایه داری دفرمه پیرامونی و وابسته شبه مدرن حاکم بر کشور را دگرگون نکرد و در جهت دور شدن از آن گام‌های جدی برنداشت. بعد از سال ۱۳۶۸ با قدرت گرفتن طیفی از تکنوکرات - بوروکرات‌های نولیبرال در قالب کابینه موسوم به «سازندگی» (همان طیف سیاسیون و دولتمردانی که چند سال بعد به «کارگزاران سازندگی» شهره شدند) و در پی حاکم شدن نسخه نولیبرالی بر اقتصاد ایران، متأسفانه ضرورت عدالت اقتصادی اجتماعی نادیده گرفته شد و مورد بی توجهی قرار گرفت و به حاشیه رانده شد.

با حاکم شدن نسخه اقتصادی اجتماعی نولیبرالیسم بر ایران، به تدریج آثار و نتایج غیرعادلانه این نسخه و سیاست‌های برآمده از آن آشکار شد. نئولیبرالیسم، برخی مؤلفه‌های بنیادین ناسالم اقتصاد شبه مدرنیستی را تشدید کرد و معیشت و زندگی اقشار و طبقات مختلفی از مردم ایران را دچار اختلال و مشکل کرد.

روح ظالمانه و عدالت ستیز نسخه و سیاست‌های نولیبرالی، به گسترش فقر، فساد، تبعیض و افزایش و تعمیق فاصله طبقاتی انجامید و این امر موجب بروز نتایج تلخی در کاهش اعتماد گروه‌هایی از مردم به نظام شد.

در واقع عدالت اقتصادی اجتماعی یکی از مطالبات و یکی از آن سه حلقه مفقوده و گمشده بنیادین جامعه ایرانی است که این جامعه در تمامی تاریخ معاصر خود به نوعی آن را دنبال کرده است و اکنون انتظار دارد که در دوران ریاست جمهوری یک روحانی اصیل انقلابی و در دولتی که تبلور و تجسم اصیل‌ترین وجه اسلامی و انقلابی نظام است (دولتی که به احیای آرمان انقلاب اسلامی اهتمام ورزیده است و بیش از هر دولت دیگری در تاریخ جمهوری اسلامی ایران به آرمان‌گرایی اصیل انقلاب اسلامی نزدیک بوده و می‌خواهد که تبلور و تجسم آن باشد) این مطالبه فعلیت و تحقق و عینیت یابد.

دولت آیت الله رئیسی در ذیل کلان گفتار انقلاب اسلامی، خود را با دو مؤلفه